

---

# پست مدرنیسم

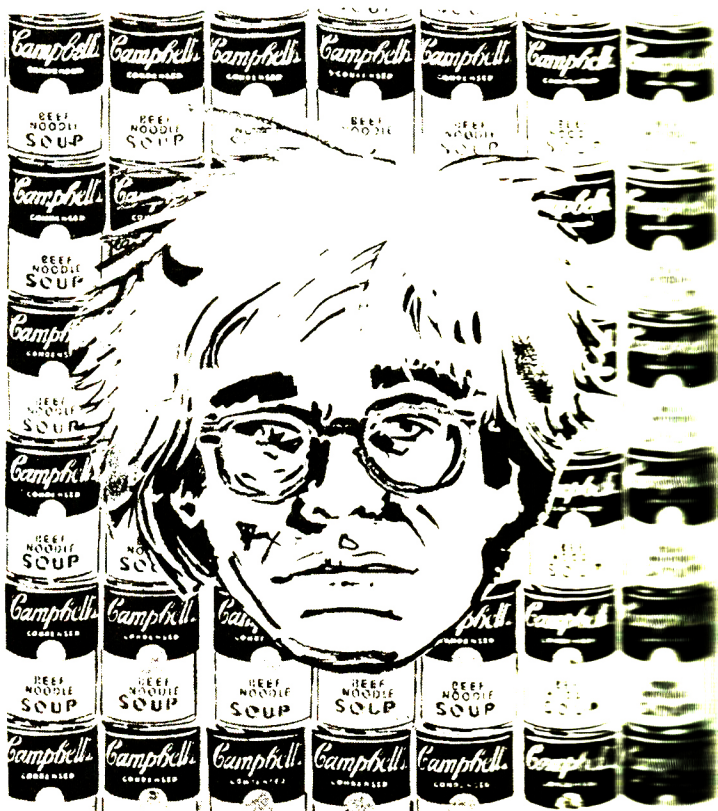
---

## قدم اول

---

نویسنده: ریچارد اپیگننسی - طراح: کریس گارات

مترجم: فاطمه جلالی سعادت



## ریشه‌های «پست مدرنیسم»

ریشه‌های «پست مدرنیسم»  
آقای محترم - اولین استفاده از عبارت «پست مدرنیسم» (نامه ۱۹ فوریه) به قبل از سال ۱۹۲۶ برمی‌گردد، و می‌توان آن را تا دهه ۱۸۷۰ دنبال کرد. یعنی زمانی که این واژه توسط جان واتکینز چاپمن هنرمند بریتانیایی به کار رفت، و در سال ۱۹۱۷ که رودلف پائوتیز آن را به کار برد. عبارات «پست - امپرسیونیسم» (دهه ۱۸۸۰) و «پسا صنعتی» (۲۲-۱۹۱۴) اولین عباراتی بودند که با «پست» (پسا) شروع می‌شدند، و پس از آن از اوایل دهه ۱۹۶۰ این واژه‌ها به تناوب در ادبیات، تأملات اجتماعی، علوم اقتصادی و حتی دین («پسامسیحی») به کار رفته. «بعدی بودن» (Posteriority) که احساس ناخوشایند بودن بعد از یک عصرخلاق و یا برعکس آن، یعنی احساس خوشایند فرارفتن از یک ایدئولوژی مضر است، حسی بود که در دهه ۱۹۷۰ در معماری و ادبیات شکل گرفت، یعنی دو کانون بحث پست - مدرن (خط فاصله (-) بین این دو کلمه که همیشه هم گذاشته نمی‌شود برای نشان دادن استقلال این دو و حرکتی سازنده و مثبت است.) «پست مدرنیسم شالوده‌شکن» به دنبال پسا ساختارگرایان فرانسوی (لیونار، دریدا، بودریار) به وجود آمد و در اواخر دهه ۱۹۷۰ در ایالات متحده پذیرفته شد، و امروزه نیمی از جهان آکادمیک بر این باورند که پست مدرنیسم، همان دیالکتیک منفی و شالوده‌شکنی است. اما در دهه ۱۹۸۰ زنجیره‌ای از حرکت‌های جدید و خلاق به وقوع پیوست که به عنوان مختلف پست مدرن خوانده می‌شدند مانند: پست مدرنیسم «ساخت‌گرا»، پست مدرنیسم «محیط زیستی»، پست مدرنیسم «اصولی» و پست مدرنیسم «بازسازی‌گرا». واضح است که دو جریان اساسی وجود دارند، یعنی «پست مدرنیسم واکنشی» و «پست مدرنیسم مصرف‌کننده» که هر دو به یکسان در «وضعیت پست مدرن» هستند؛ برای مثال، عصر اطلاعات، پاپ و مدونا. اگر کسی به دنبال راهنمای محققانه‌ای برای همه این‌ها باشد کتاب مارگارت رز با عنوان پسا مدرن و پسا صنعتی؛ یک تحلیل بنیادی (۱۹۹۱) مسلماً برایش مفید است.  
باید اضافه کنم چیزی که باعث می‌شود این کلمه و مفهوم تا این حد قوی باشد و چیزی که باعث می‌شود ما حدود صد سال به آن مشغول باشیم این است که ما داریم از دیدگاه مدرنیسم - که دیگر کفایتان نمی‌کند - فراتر می‌رویم، اما مشخص نکرده‌ایم که کجا داریم می‌رویم. به همین دلیل است که اکثر افراد بدون این‌که کسی به آنها گفته باشد خودشان برای اولین بار این واژه را به کار می‌برند. اما از آن جا که اصطلاح «مدرنیسم» به وضوح در قرن سوم رواج یافت. شاید اولین کاربرد عبارت «پست مدرنیسم» نیز از همان زمان بوده است.

چارلز جنکز  
لندن

چارلز جنکز که در هنر و معماری پست مدرن صاحب نظر است بررسی جالبی درباره اصطلاح پست مدرنیسم به دست داده. اما این عبارت در عمل به چه معنی است؟ آیا «پست مدرن» به واقع سرگذشت زندگی امروز ما را به دست می‌دهد؟ یا این‌که فقط یک واژه باب روز است که ما را در تاریکی و ناآگاهی از وضعیت واقعی تاریخی مان باقی می‌گذارد.

## بگذارید در ابتدا خود کلمه را بررسی کنیم

منظورمان از پست مدرنیسم چیست؟ این ابهام به وسیله پیشوند Post (به معنی پسا) بر سر کلمه مدرن (نو) به وجود آمده است. پست مدرنیسم خود را با آنچه که نیست معرفی می‌کند. چیزی که دیگر مدرن (نو) نیست. اما از چه نظر واقعاً پسا (پست) مدرن است؟

- به عنوان نتیجه مدرنیسم؟
- عواقب مدرنیسم؟
- زاده مدرنیسم؟
- تکامل مدرنیسم؟
- انکار مدرنیسم؟
- رد مدرنیسم؟

پست مدرنیسم را به صورت ترکیبی از چند تا یا همه این مفاهیم به کار برده‌اند. پست مدرنیسم مجموعه مفاهیم مبهم برگرفته از دو موضوع ابهام‌برانگیز است.

- در برابر معنای مدرنیسم مقاومت و با آن مخالفت می‌کند.

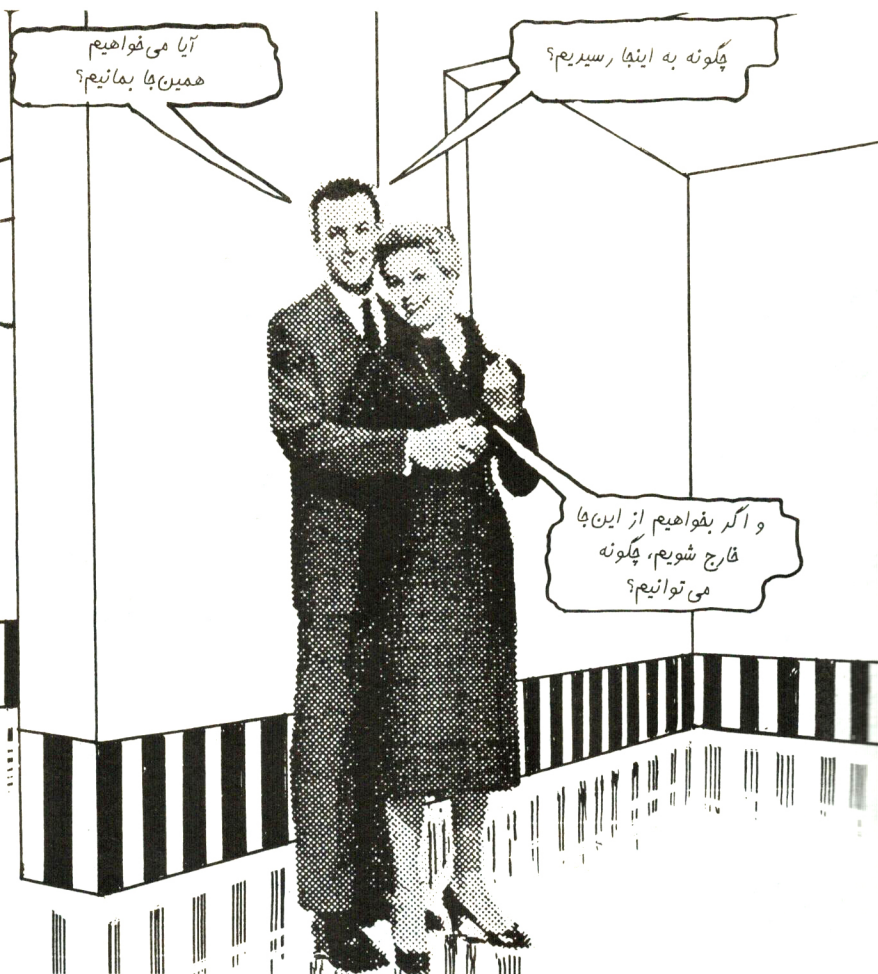
- فهم کاملی از مفهوم مدرن را که عصری نوین آن را پشت سر نهاده، القاء می‌کند.

عصری نوین؟ هر عصر، هر دوران به وسیله شواهد تغییرات تاریخی که ما می‌بینیم و می‌فهمیم و به وجود می‌آوریم توجیه می‌شود و ما می‌توانیم این تغییرات را به عنوان متعلقات قلمرو هنر، تئوری اقتصاد و تاریخ تشخیص دهیم و آنها را به منظور فهم پست مدرنیسم بررسی کنیم.

بگذارید از هنر شروع کنیم، با پی‌گیری تبارشناسی هنر پست مدرنیسم.

## قسمت اول: تبارشناسی هنر پست مدرنیسم

می‌توانیم با دیدار از بنای هنرمند مفهوم‌گرا، دنیل بورن (متولد ۱۹۳۹) به نام بر روی دو سطح با دو رنگ شروع کنیم که شامل یک ردیف خط‌های راه‌راه عمودی در پایین دیوارهای دو سالن مجاور است که یکی از دیگری به فاصله یک پله قرار دارد. سالن‌هایی خالی و دیگر هیچ...



بنای بورن الزاماً نمونه مجسم هنر پست مدرنیسم نیست، اما نقطه خوبی برای شروع است. از این جهت که بدانیم مدرنیسم در طول تاریخ ابداع مستمر به چه چیزی رسیده است.